

رابطه «نقش‌های جنسیتی» و «تیپ شخصیتی» زوجین با «کارآمدی خانواده»

هادی دهقانی*

محمد مهدی صفورایی**

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه «نقش جنسیتی» و «تیپ‌های شخصیتی» A و B زوجین با «کارآمدی خانواده» انجام شد. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری طلاب پایه‌های ۵ تا ۷ شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ و همسران آنها بودند. ۲۴۰ نفر شامل ۱۲۰ زوج با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به سه پرسشنامه «نقش جنسیتی بم»^۱ BSRI، «تیپ شخصیتی A و B روزنمن و فریدمن»^۲ و «کارآمدی خانواده صفورایی»^۳ S.FEQI پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که «نقش جنسیتی آندروژنی» و «کارآمدی خانواده» رابطه معنادار مثبت دارند؛ «نقش جنسیتی نامتمايز» و «کارآمدی خانواده» رابطه معنادار منفی دارند؛ «نقش‌های جنسیتی متمایز» اعم از مردانه و زنانه با «کارآمدی خانواده» رابطه معناداری ندارند؛ بین «تیپ شخصیتی B» و «کارآمدی خانواده» رابطه معنادار مثبت وجود دارد و بین «تیپ شخصیتی A» و «کارآمدی خانواده»، رابطه منفی معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: نقش جنسیتی، تیپ شخصیتی، هویت جنسی، کارآمدی خانواده، طلاب، شهر قم.

dehghani62@gmail.com

daftar@miu.ac.ir

1. Bem Sex Role Inventory

2. Personality Types A & B (Rosenman & Friedman) questionnaire

3. Safurayi. Family Efficiency Questioner based on Islamic View

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۵

* کارشناسی ارشد رشته مشاوره از دانشگاه اخلاق و تربیت

** دکترای تخصصی و استادیار جامعه‌المصطفی

مقدمه

کانون خانواده در تعالیم سازنده اسلام، مایه آرامش اعضای آن و مورد رضایت خداوند است و پیامبر گرامی اسلام ۷ آن را محبوب‌ترین بنیان در نزد خداوند بزرگ معرفی می‌کند.^۱ همچنین کارکردها و درنهایت کارآمدی خانواده کانون توجه آموزه‌های دینی است؛ زیرا با تحکیم و تقویت بنیان خانواده رابطه متقابل دارد، به‌گونه‌ای که هرگاه کارکردهای خانواده در راستای قوانین اسلام تقویت شوند، به تحکیم خانواده می‌انجامد (موسی‌زاده، ۱۳۹۳).

خانواده با توجه به کارکردهایی که دارد؛ افزون‌بر اینکه از جامعه تأثیر می‌پذیرد و تغییرات ایجاد شده در جامعه آشکارا در آن بازنمایی می‌شود، از مهم‌ترین ابزارها برای ایجاد تغییر در فضای اجتماعی است؛ بنابراین با بررسی روابط درونی خانواده و عوامل مرتبط با کارآمدی آن، می‌توان آثار فرایندهای گوناگون را بر آن مشاهده کرد و نیز در مورد آینده به پیش‌بینی پرداخت.

کارآمدی خانواده عبارت است از وضعیتی که در آن خانواده با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی (شاخص بینشی) و رعایت حقوق (شاخص حقوقی) و اخلاق اسلامی (شاخص اخلاقی)، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صفورایی، ۱۳۸۸).

شاخص بینشی خانواده کارآمد به بینش‌های دینی اشاره دارد که برای رشد و کارآیی خانواده ضروری است. براساس منابع دینی، ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و زندگی پس از مرگ، مهم‌ترین باورهای دینی‌اند که خانواده را کارآمد می‌کند (صفورایی، ۱۳۹۰).

براساس آیات و روایات اسلامی، نه تنها مبنا بودن اخلاق در حقوق خانواده اثبات شده است، بلکه نتایج واکاوی در این منابع، بیانگر آن است که یکی از اهداف شارع در وضع احکام خانواده، تحقق خانواده‌ای مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی بوده است (اسدی و ذبیحی، ۱۳۹۴) و در بسیاری از موارد، ویژگی‌های اخلاقی تأثیری بی‌واسطه بر تأمین نیازهای فطری همسران دارند (بستان، ۱۳۹۲).

همچنین منابع دینی برای هر یک از اعضای خانواده (زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر)، حقوقی را نیز وضع و در مقابل آن حقوق، وظایفی برای طرف مقابل معین کرده است. براساس متون دینی، رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم است که تأمین‌کننده کارآمدی خانواده می‌باشد (صفورایی، ۱۳۸۹).

۱. مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّرْوِيجِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۴).

افراد در تمامی جوامع بشری براساس ملاک‌های اجتماعی مانند نقش و پایگاه، طبقه، مذهب، نژاد، قومیت و مانند آنها دسته‌بندی می‌شوند. جنسیت از مهم‌ترین ملاک‌های اجتماعی فرهنگی برای دسته‌بندی افراد جامعه به شمار می‌آید و یکی از مهم‌ترین ابعاد ساخت احساس هویت فردی و نیز یکی از معیارهای اصلی شناخته شدن افراد در اجتماع است (نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۷). هویت جنسیتی یک شخص، جنسیتی است که فرد از راه آن با خودش به‌عنوان یک مرد یا زن پیوند شناختی و عاطفی می‌یابد (بارون و برن، ۱۹۹۴؛ نقل از نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۷). انتظارات غالب در یک جامعه درباره فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آنها درگیر شوند سبب می‌شود که افراد، بنابر جنسیت خود (مرد یا زن بودن) نقش‌هایی را ایفا کنند که نقش جنسیتی نامیده می‌شود (بستان، ۱۳۸۵).

زنان و مردان در خانواده نیز می‌توانند مجموعه‌ای از نقش‌ها و صفات را داشته باشند که مکمل یکدیگرند و بر وابستگی متقابل مبتنی بر اطمینان و اعتماد دوجانبه و دادوستد عاطفی مثبت تأکید کنند. پیوند متقابل میان اعضای خانواده و اهمیت دادن به نقش‌های جنسیتی یکدیگر، نقطه شروع خوبی برای پرداختن به پویایی‌های پیچیده در خانواده است.

به نظر ساندرام^۱ تصور رایجی که در مورد مردانگی و زنانگی وجود دارد، درست نیست و نباید مردانگی و زنانگی را در دو سوی یک پیوستار و کرانه‌های متضاد یک بعد منفرد در نظر گرفت؛ بلکه باید دو محور جهت‌گیری مردانه و زنانه را عنوان کرد. وی اعتقاد داشت که جهت‌گیری مردانه با ویژگی‌های مردانه (مانند پرخاشگری) و جهت‌گیری زنانه با ویژگی‌های زنانه (مانند تربیت‌کننده) مستقل از یکدیگر است (هاید، ۱۳۹۴). پس بم با توجه به فرض زیربنایی الگوی خود که مردانگی و زنانگی دو بعد مجزا و مستقل هستند (نه دو قطب یک پیوستار)، چهار سنخ عمده جنسیتی را ارائه کرده است؛ بنابراین بسته به نمره افراد در هر یک از دو جهت‌گیری مردانگی و زنانگی، چهار سنخ شخصیتی موجود عبارتند از: سنخ مردانه،^۲ سنخ زنانه،^۳ سنخ نامتمایز^۴ و سنخ آندروژنی.^۵ شخصی که صفات مختص مردان در او زیاد و صفات مختص زنان در او کم باشد، دارای نقش جنسیتی مردانه است. شخصی که صفات مختص زنان در او زیاد و صفات مختص مردان در او کم باشد، دارای نقش جنسیتی زنانه است. شخصی که در هر دو دسته

1. Sandra Bem

2. Masculine Type

3. Feminine Type

4. Undefined Type

5. Androgyny Type

صفات ضعیف می‌باشد، واجد نقش جنسیتی نامتمایز است و نیز شخصی که تعداد زیادی از صفات مردانه و زنانه را دارد، او را آندروژنی می‌نامند (نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۷).

افراد آندروژنی در روابط میان فردی خود منعطف‌تر از دیگر افرادند (مانستد^۱ و همکاران، ۱۹۹۶) و از لحاظ تمایز یافتگی در وضعیت بهتری قرار دارند (اشترایه، ۱۳۹۲) و نسبت به هم‌تایان خود از بهداشت روانی (بم، ۱۹۸۱) و کمال شخصیتی بهتری برخوردارند و نیز با مفاهیم نقش جنسیتی محدود نمی‌شود و از نظر پاسخ‌دهی کارآمد به موقعیت‌های مختلف گسترده‌تر و آزادتر هستند (هاید، ۱۳۹۴). مردان و زنانی که به‌عنوان آندروژنی توصیف می‌شوند، از محبوبیت اجتماعی بالاتری برخوردارند و به دلیل توانایی در پرداختن به رفتارهای مردانه و زنانه و همچنین توانایی جابجایی این دو رفتار، سازش یافته‌تر از دیگر افرادند (بم، ۱۹۷۴؛ اسپنس،^۲ ۱۹۷۵؛ نقل از گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۷۸). مثلاً بسته به شرایط می‌توانند استقلال مردانه یا عطف‌ت زنانه نشان دهند (تیلور و هال؛ نقل از برک، لورا ای، ۲۰۰۱). آنها عزت‌نفس بالاتری دارند و در بین همسالان‌شان در مقایسه با افراد دیگر، از محبوبیت بیشتری برخوردار هستند (میجر، دوکس،^۳ ۱۹۷۱؛ ماساد،^۴ ۱۹۸۱ و اسپنس^۵ ۱۹۸۱؛ نقل از نجاریان، ۱۳۷۷).

همچنین، افراد آندروژنی از عملکرد خانواده بالاتری برخوردارند (خانی‌مجد و همکاران، ۱۳۹۱ و نجاریان، ۱۳۷۷). همسران آندروژنی بهتر از دیگران قادر به مدیریت تعارضات‌شان هستند و نسبت به افراد مردانه و یا زنانه احساسات مثبت بیشتر و انرژی بالاتر در انجام وظایف دارند و میل به کنترل بیشتری را نشان داده‌اند (یلسما و براون، ۱۹۸۵) و در مورد رابطه جنسی راحت‌ترند و فراوانی رابطه و میزان ارگاسم بیشتری را گزارش داده‌اند (رادلاو، ۱۹۸۳).

از سوی دیگر، مطالعه شخصیت برای درک ماهیت انسان امری ضروری است. هریک از همسران با پیشینه تحولی و سبک شخصیتی و ترکیب عوامل زیست‌شناختی، محیطی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارند. دونلان و همکاران (۲۰۰۴)، با اشاره به پژوهش‌های انجام شده بر این نظرنند که رضایت زناشویی بیش از همه از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متأثر است (عباسی، ۱۳۸۸). از آنجا که ویژگی‌های شخصیتی زیربنای نظام رفتاری افراد را تشکیل

-
1. Manstead, A.R.
 2. Spence
 3. Major, Deaux
 4. Massad
 5. Spence

می‌دهند، پرداختن به این مقوله می‌تواند جنبه‌های خاصی از عملکرد افراد را در زمینه‌های گوناگون، از جمله در بستر خانواده روشن سازد.

یافته‌های پژوهشی فراوان نشان می‌دهند که عوامل و ابعاد شخصیتی بیشتر از متغیرهای تقویمی مثل سن، تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته با عملکرد خانواده (معین و همکاران، ۱۳۹۰) و رضایت زناشویی (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹ و جنوس و استفان،^۱ ۱۹۹۹ و ویجیتیمالا و کوماری، ۲۰۰۴؛ نقل از بهبودی، ۱۳۸۸ و علی‌مدد و همکاران، ۱۳۹۱ و قاسمی ارگنه و همکاران، ۱۳۹۱ و شاکریان، ۱۳۹۱ و فینچام، هارولد و گانوفیلیس، ۲۰۰۰ و فرانک و کیم، ۱۹۹۸) مرتبط هستند. همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد کسانی را به‌عنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های مشابهی با آنان داشته باشند (بنتلر و نیوکمب، ۱۹۹۸) و همسرانی که دارای تیپ‌های شخصیتی مشابهی هستند، رضایت زناشویی بهتری را تجربه می‌کنند (امانی و مجذوبی، ۱۳۹۱؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۴ و ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۶).

تیپ شخصیتی A، یکی از مشهورترین تیپ‌های شخصیتی-رفتاری است که از سال ۱۹۵۹ تاکنون در متون روان‌شناسی و روان‌پزشکی مطرح شده و مورد توجه فراوان قرار گرفته است. در سال ۱۹۵۹ دو متخصص قلب به نام‌های فریدمن و روزنمن مشاهده کردند که مردان و زنانی که دارای ویژگی‌هایی مانند تکلم سریع، رقابت‌جویی، بی‌حوصلگی، سخت‌کوشی، پرخاشگری و خشونت هستند، حدود هفت برابر بیشتر از افراد عادی مستعد ابتلای به بیماری‌های کرونر^۲ می‌باشند (روزنهمان و سلیگمن، ۱۳۷۹). همچنین این افراد از شخصیتی برخوردارند که «مستعد بیماری»^۳‌هایی از جمله افسردگی، عصبانیت، خصومت و اضطراب هستند (فریدمن و کلی، ۱۹۸۷).

الگوی شخصیتی رفتاری تیپ A آمیزه‌ای کنشی هیجانی است که با تلاش افراطی جهت کسب امتیازات زیاد و چه‌بسا نامحدود در زندگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن و در مخالفت و رقابت با افراد دیگر مشخص می‌شود (روزنمن، ۱۹۸۹؛ نقل از نجاریان و همکاران، ۱۳۷۴).

افرادی که چنین ویژگی‌هایی را ندارند، در دسته افراد دارای شخصیت تیپ B قرار می‌گیرند؛ بدین ترتیب، شخصیت تیپ B دارای این خصوصیت‌ها می‌باشند: آرام، صبور، ملایم، با اخلاق متعادل، همه وقت خود را صرف کسب موفقیت‌های حرفه‌ای یا رقابت‌های اجتماعی نمی‌کنند، کار یکنواخت و پایدار دارند، دچار کمبود وقت و فرصت نیستند، وقت مناسبی را هم برای

1. Genevece & Stephan
2. coronary heart diseases (CHD)
3. disease-prone

فعالیت‌های مورد علاقه خویش در بیرون از محیط کار اختصاص می‌دهند، آرام و شمرده صحبت می‌کنند (روزنهان، سلیگمن، ۱۹۹۸).

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهشی ویژگی‌های شخصیتی رفتاری زیر را در افراد تیپ A تأیید می‌کنند: تمایل به تنهایی کار کردن، بلندپروازی و کمال‌گرایی، گوش‌به‌زنگی و هوشیاری فراوان، تعجیل و شتاب در زندگی و رقابت‌جویی، پرخاشگری، تنیدگی و ناآرامی، بی‌صبری، کم‌تحمیلی و تحریک‌پذیری، وقت‌شناسی افراطی و غرق در کار شدن زیاد و ناتوانی در کناره‌گیری از اشتغال به کار و علاقه افراطی به کار و حرفه. آنها نسبت به سایر افراد نمره‌های بالایی در ویژگی‌های شخصیتی پرخاشگری، خشونت و سلطه‌گری کسب می‌کنند؛ از روابط بین‌فردی و شرایط کاری خود کمتر راضی‌اند و مضطرب‌تر و افسرده‌تر هستند و فشار روانی بیشتری تجربه می‌کنند (نقل از نجاریان، ۱۳۷۴). آنها به سبب عزت‌نفس پایینی که دارند، حتی در شرایط عادی نیز احساس خطر و فشار روانی کرده، تلاشی افراطی برای بهبود وضعیت خود می‌کنند و در مورد مقام و منزلت احساس نگرانی زیادی دارند، در بیان احساسات خود ناتوانند و به مردم اعتماد کمتری دارند (جنابآبادی، ۱۳۹۴). در مجموع افراد تیپ A سلامت روان پایین‌تر (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۴)، بهداشت جسمانی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیری بیشتری برای ابتلا به بیماری‌های جسمانی دارند (بروز و بلوئن، ۱۹۹۲). همچنین افراد دارای تیپ شخصیتی A عملکرد خانواده ضعیف‌تر (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱ و سپهوندی و همکاران، ۱۳۹۳) و رضایت زناشویی پایین‌تری دارند (جنابآبادی، ۱۳۹۴ و ایران‌پور و حیدرنازاد، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت کارآمدی خانواده لازم است دانش روان‌شناسی گام‌های مؤثری برای بررسی این تحولات بردارد تا بتواند پاسخگوی مراجعان باشد و به ارتقای بهداشت روانی انسان‌ها (هدف نهایی) دست یابد. دلیل این امر شمار فراوان زوج‌هایی است که برای مشاوره مراجعه می‌کنند و آمار روزافزون طلاق در جامعه می‌باشد که نتیجه آن افزایش اختلالات روانی و ناهنجاری در جامعه است.

بسیاری از پژوهش‌های حوزه کارآمدی خانواده در مراحل اولیه بر روابط پدر و مادر-کودک و روابط زوجین متمرکز شده است (بندورا، ۲۰۱۱؛ نقل از هوشیاری، ۱۳۹۳)؛ ازاین‌رو، ضرورت دارد که مسائل فردی مرتبط در کارآمدی خانواده از جمله نقش جنسیتی و تیپ‌های شخصیتی زوجین نیز مورد مطالعه قرار گیرند.

همچنین مذهب و پایبندی به یک نظام مذهبی در زوجین به‌عنوان عامل اثرگذار بر کنترل هیجان و شناخت در فرد از مسائلی است که باید در نوع الگوی ارتباطی این زوجین بررسی شود،

زیرا مشاهده می‌شود که چگونه زوجین براساس پایبندی به مذهب در روابط زناشویی، خود را مسئول مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش به همدیگر و تعهد در روابط زناشویی می‌دانند (ثناگویی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰). با وجود این با بررسی پیشینه پژوهش و ملاحظه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، ملاحظه می‌شود که پژوهش‌های اندکی کارآمدی خانواده را با توجه به مبانی اسلامی سنجیده‌اند و ابزارهای مورد استفاده در بیشتر آنها، پرسش‌نامه‌های غیربومی است.

کمبود پژوهش‌های مرتبط با عوامل فردی کارآمدی خانواده و نیز نبود پژوهشی با موضوع رابطه نقش‌های جنسیتی و تیپ‌های شخصیتی زوجین با کارآمدی خانواده به‌ویژه در جامعه طلاب، از ضرورت‌های پرداختن به این موضوع است.

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

نقش‌های جنسیتی در زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارند.

تیپ شخصیتی A در زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را همه طلاب پایه (سال) پنجم تا هفتم ساکن شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ و همسران آنها تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به روش تصادفی خوشه‌ای صورت گرفته است؛ از بین ۴۰ مدرسه تحصیل طلاب علوم دینی شهر قم سه مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها در بین طلاب پایه‌های ۵ تا ۷ و همسران آنها اجرا شد.

از دیدگاه جیمز استیونس در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر، یک قاعده سرانگشتی خوب برای تعیین حجم نمونه به شمار می‌آید. پس به‌طور کلی تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده باشد (هومن، ۱۳۹۳، ص ۲۲)؛ از این رو با توجه به تعداد متغیرهای موجود (کارآمدی خانواده شامل بعد حقوقی، اخلاقی و بینشی، تیپ شخصیتی شامل تیپ A و تیپ B و نقش جنسیتی شامل مردانه، زنانه، خنثی و آندروژنی) حجم نمونه ۲۴۰ نفر شامل ۱۲۰ زوج تعیین شد.

ابزار پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش در قالب دو پرسش‌نامه به شرح زیر است:

پرسش‌نامه نقش جنسیتی بِم (BSRI)^۱

این آزمون شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی است. از پاسخ‌دهندگان درخواست می‌شود برای هر مورد نشان دهند که مقیاس از ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) آن صفت تا چه اندازه می‌تواند آنها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه، ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای مردانه و ۲۰ صفت خنثی است؛ یعنی رفتار وابسته به جنسیت نیست.

هرگاه افراد این آزمون را انجام دهند، دو نمره به دست می‌آورند: یک نمره مردانگی و یک نمره زنانگی. نمره مردانگی نمره متوسط خودسنجی‌های آنها در موارد مردانگی و نمره زنانگی آنها نمره متوسط خودسنجی‌های آنان در موارد زنانگی است. بِم بالا بودن را بالاتر از میانه (میانه نمره متوسط است) تعریف می‌کند. میانه در هر یک از این مقیاس‌ها ۴.۹ است؛ بنابراین افرادی آندروژنی هستند که میانگین نمرات آنها در مقیاس مردانگی و نیز در مقیاس زنانگی بالاتر یا مساوی با میانه باشد. فردی که در ویژگی‌های زنانه نمره بالاتر یا مساوی با میانه داشته، ولی در ویژگی‌های مردانه نمراتی پایین‌تر از میانه داشته باشد، دارای نقش جنسیتی زنانه است. همین‌طور فردی که در ویژگی‌های مردانه دارای نمرات بالاتر یا مساوی با میانه باشد، ولی در ویژگی‌های زنانه نمراتی پایین‌تر از میانه داشته باشد، دارای نقش جنسیتی مردانه است و نیز فردی که در ویژگی‌های مردانه و زنانه دارای نمراتی پایین‌تر از میانه باشد، دارای نقش جنسیتی نامتمایز است؛ زیرا آنها به خود در هیچ‌یک از صفات مردانه یا زنانه رتبه بالایی نمی‌دهند و فرد با انجام دادن این پرسش‌نامه می‌تواند در یکی از ۴ گروه جای گیرد: مردانه، زنانه، آندروژنی و نامتمایز.

بِم (۱۹۸۱) جهت محاسبه اعتبار فرم کوتاه پرسش‌نامه نقش جنسیتی، همبستگی آن را با فرم بلند بررسی کرد و ضریب همبستگی بین این دو را ۹۹٪ به دست آورد. اعتبار آزمون فرم کوتاه نقش جنسیتی بِم به گزارش مهرایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. تمام ضرایب همبستگی مؤلفه‌های این آزمون در سطح $p < 0.01$ معنا دارند. ضریب همبستگی کل آزمون برای زنان ۹۹٪ و مردان ۷۵٪ به دست آمده است. بِم همسانی درونی این مقیاس را ۹۰٪ به دست آورد. مهرایی‌زاده و همکاران به منظور برآورد پایایی آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بِم و مؤلفه‌های آن ضرایب آلفای کرونباخ آنها را محاسبه کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۸۰٪ به دست آمد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است.

پرسش‌نامه تیپ‌های شخصیتی A و B

ازجمله پرسش‌نامه‌هایی که برای ارزیابی تیپ شخصیتی ساخته شده، پرسش‌نامه تیپ شخصیتی A است. این پرسش‌نامه را فریدمن و روزمن ساخته که این تیپ‌های شخصیتی را ابداع کرده‌اند و افراد را به دو گروه شخصیتی متمایز می‌کنند.

این پرسش‌نامه دارای ۲۵ سؤال است که با گزینه‌های بله و خیر پاسخ داده می‌شوند. برای نمره‌گذاری این پرسش‌نامه پاسخ‌های «بله» شمارش می‌شوند. اگر تعداد پاسخ‌های «بله» بین ۲۱ تا ۲۵ بود، فرد دارای شخصیت تیپ A شدید است و اگر تعداد پاسخ‌های «بله» فرد بین نمره ۱۴ تا ۲۰ باشد، شخصیت وی A می‌باشد. در صورتی که تعداد پاسخ‌های بله فرد ۵ تا ۱۳ باشد تیپ شخصیتی وی B می‌باشد و در صورتی که تعداد پاسخ‌های بله فرد بین صفر تا ۴ باشد، تیپ شخصیتی فرد B شدید می‌باشد.

در یک مطالعه که بر روی دانشجویان ایرانی انجام گرفت، پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۲ به دست آمد (سپهریان و جوکار، ۱۳۹۱). در پژوهش شاکری‌نیا (۱۳۸۸) نیز پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ محاسبه شد. در پژوهش گرامی اصل، بدری و زینالی (۱۳۸۸) نیز مقدار آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی آزمون شخصیت ۰/۶۲ به دست آمد (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین روایی این پرسش‌نامه در بیشتر پژوهش‌ها ۰/۷ تا ۰/۸ گزارش شده است (نصیری و شریفی، ۱۳۹۲).

پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده براساس منابع اسلامی صفورایی (S.FEQI)^۱

شاخص‌های پرسش‌نامه S.FEQI برگرفته از تعالیم دین اسلام برای سنجش خانواده کارآمد است. این پرسش‌نامه دارای سه زیرمقیاس و ۷۹ عبارت است. شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده براساس طیف ۴ درجه‌ای لیکرت است.

پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده، دارای سه عامل زیربنایی است: شاخص بینشی، شاخص اخلاقی و شاخص حقوقی. این پرسش‌نامه از اعتبار و ثبات درونی مطلوب برخوردار است. آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۸۹ می‌باشد؛ همچنین اعتبار پرسش‌نامه از راه دونیمه کردن با روش اسپیرمن براون و گاتمن ۰/۸۳ می‌باشد (صفورایی، ۱۳۸۹).

در پژوهشی دیگر هراتیان، حیدری، زارعی توپخانه و صفورایی (۱۳۹۴) به بررسی روایی مقیاس کارآمدی خانواده با استفاده از تحلیل عاملی پرداختند. برای بررسی پایایی این مقیاس از

1. Safurayi .Family Efficiency Questioner based on Islamic View

روش بررسی همسانی درونی به وسیله آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمده است. براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت این پرسش‌نامه دارای روایی و پایایی بالا بوده و عوامل منسجمی از آن به دست می‌آید که می‌توان با کاربرد آن، کارآمدی خانواده را براساس منابع اسلامی مورد مطالعه قرار داد و در پژوهش‌های آتی از آن استفاده کرد.

یافته‌های پژوهش

افراد نمونه در دامنه سنی ۱۹ تا ۳۴ سال قرار داشتند و بیشترین حجم فراوانی مربوط به دامنه ۲۵ تا ۳۰ سال دارند. طلاب از نظر مقطع تحصیلی در سه پایه تحصیلی ۵، ۶ و ۷ قرار دارند (جدول ۱). همچنین آزمودنی‌ها از نظر نقش جنسیتی به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند که بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت نامتمايز و کمترین فراوانی مربوط به جنسیت متمایز مردانه است. از نظر تیپ شخصیتی افراد به دو دسته کلی تیپ شخصیتی A و تیپ شخصیتی B دسته‌بندی شدند. تقسیم براساس نمره‌ای است که فرد از پرسش‌نامه مربوطه به دست می‌آورد. در تقسیم‌بندی تیپ شخصیتی بیشترین فراوانی مربوط به تیپ شخصیتی B و کمترین فراوانی مربوط به تیپ شخصیتی A شدید به دست آمد (جدول ۲).

جدول ۱: فراوانی آزمودنی‌ها براساس جنسیت، تحصیلات و تیپ شخصیتی

فراوانی	جنسیت		تحصیلات حوزوی طلاب			همسران طلاب از لحاظ تحصیلات حوزوی	
	مرد	زن	په	سه	په	حوزوی	غیرحوزوی
فراوانی	۱۲۰	۱۲۰	۳۶	۴۰	۴۴	۲۴	۹۶
فراوانی درصدی	۵۰	۵۰	۱۵	۱۶/۷	۱۸/۳	۱۰	۴۰
مجموع فراوانی	۲۴۰		۱۲۰			۱۲۰	

جدول ۲: فراوانی آزمودنی‌ها براساس تیپ شخصیتی

تیپ شخصیتی	فراوانی	فراوانی درصدی
تیپ A شدید	۱۶	۶/۷
تیپ A	۷۰	۲۹/۲
تیپ B	۱۱۲	۴۶/۷
تیپ B شدید	۴۲	۱۷/۵
مجموع	۲۴۰	۱۰۰

جدول ۳: فراوانی آزمودنی‌ها براساس نقش‌های جنسیتی

فراوانی درصدی	فراوانی			
	۲۰	۴۸	۳۰	مرد
		۱۸	زن	
۸/۴	۲۰	۱۸	مرد	تمایز مردانه
		۲	زن	
۲۵/۸	۶۲	۱۴	مرد	تمایز زنانه
		۴۸	زن	
۴۵/۸	۱۱۰	۵۰	مرد	نامتمایز
		۸۰	زن	
۱۰۰	۲۴۰		مجموع	

جدول ۴: ویژگی‌های توصیفی آزمودنی‌ها براساس متغیرهای نمره مردانگی و زنانگی، تیپ شخصیتی و کارآمدی خانواده

متغیر	میانگین	بالاترین نمره	پایین‌ترین نمره	انحراف معیار	خطای استاندارد
نمره ویژگی‌های مردانه	۴.۳۶	۶.۳۰	۲.۱۵	۰.۸۴	۰.۰۵۴
نمره ویژگی‌های زنانه	۴.۸۲	۶.۳۵	۲.۸۵	۰.۶۵	۰.۰۴۲
تیپ شخصیتی	۱۱.۱۴	۲۲	۲	۴.۲۰	۰.۲۷۱
کارآمدی کل	۲۵۵.۶	۲۹۲	۱۹۶	۲۳.۱۸	۱.۴۹
عامل بینشی	۵۷.۳	۷۲	۳۱	۷.۳	۰.۴۷
عامل اخلاقی	۱۱۷.۱	۱۳۶	۸۵	۱۱.۸	۰.۷۶
عامل حقوقی	۸۱.۱	۹۶	۵۵	۷.۶	۰.۴۹

جدول ۵: ماتریس همبستگی نقش‌های جنسیتی آزمودنی‌ها و کارآمدی خانواده

متغیر	P/sig	کارآمدی خانواده	آندروژنی	تمایز مردانه	تمایز زنانه	نامتمایز
کارآمدی خانواده	همبستگی	۱				
	سطح معناداری	--				
آندروژنی	همبستگی	۰.۴۴۳*	۱			
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	--			
تمایز مردانه	همبستگی	۰.۰۱۱	-۰.۱۵۱	۱		
	سطح معناداری	۰.۹۰۶	۰.۱۰۰	--		
تمایز زنانه	همبستگی	۰.۰۰۲	-۰.۲۹۵	-۰.۱۷۸	۱	
	سطح معناداری	۰.۹۸۳	۰.۰۰۱	۰.۰۵۲	--	
نامتمایز	همبستگی	-۰.۳۶۴*	-۰.۴۶۰	-۰.۲۷۷	-۰.۵۴۳	۱
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۲	۰.۰۰۰	--

P < ۰.۰۰۱

جدول ۶: ماتریس همبستگی نقش‌های جنسیتی آزمودنی‌ها و زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده

متغیر	P/sig	آندروژنی	نامتمایز	متمایز مردانه	متمایز زنانه
عامل اخلاقی	همبستگی	۰.۴۴۲	-۰.۳۳۹	۰.۰۰۳	-۰.۰۱۹
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۹۷۸	۰.۸۳۳
عامل حقوقی	همبستگی	۰.۳۳۸	-۰.۳۵۲	۰.۰۰۳	۰.۰۹۴
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۹۷۴	۰.۳۰۹
عامل بینشی	همبستگی	۰.۳۳۵	-۰.۲۳۵	۰.۰۳۳	-۰.۰۶۰
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۱۰	۰.۷۱۸	۰.۵۱۸

جدول ۷: ماتریس همبستگی تیپ‌های شخصیتی و کارآمدی خانواده

متغیر	P/sig	عامل اخلاقی	عامل حقوقی	عامل بینشی	آندروژنی	نامتمایز	متمایز مردانه	متمایز زنانه
عامل اخلاقی	همبستگی	۱	--	--	۰.۴۴۲	-۰.۳۳۹	۰.۰۰۳	-۰.۰۱۹
	سطح معناداری	--	--	--	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۹۷۸	۰.۸۳۳
عامل حقوقی	همبستگی	--	۱	--	۰.۳۳۸	-۰.۳۵۲	۰.۰۰۳	۰.۰۹۴
	سطح معناداری	--	--	--	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۹۷۴	۰.۳۰۹
عامل بینشی	همبستگی	--	--	۱	۰.۳۳۵	-۰.۲۳۵	۰.۰۳۳	-۰.۰۶۰
	سطح معناداری	--	--	--	۰.۰۰۰	۰.۰۱۰	۰.۷۱۸	۰.۵۱۸
آندروژنی	همبستگی	۰.۴۴۲	۰.۳۳۸	۰.۳۳۵	۱	--	--	--
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	--	--	--	--
نامتمایز	همبستگی	-۰.۳۳۹	-۰.۳۵۲	-۰.۲۳۵	--	۱	--	--
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۱۰	--	--	--	--
متمایز مردانه	همبستگی	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۰۳۳	--	--	۱	--
	سطح معناداری	۰.۹۷۸	۰.۹۷۴	۰.۷۱۸	--	--	--	--
متمایز زنانه	همبستگی	-۰.۰۱۹	۰.۰۹۴	-۰.۰۶۰	--	--	--	۱
	سطح معناداری	۰.۸۳۳	۰.۳۰۹	۰.۵۱۸	--	--	--	--
متغیر	P/sig	تیپ A شدید		تیپ A		تیپ B		تیپ B شدید
	همبستگی	-۰.۴۱۸*		-۰.۲۴۱*		۰.۴۹۵*		-۰.۰۸۵
خانواده	سطح معناداری	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۱۷۸

P < ۰.۰۰۱

بحث و بررسی

دو فرضیه اصلی در این پژوهش در نظر گرفته شد که در ادامه با توجه به داده‌های آماری به دست آمده تبیین می‌شود.

بررسی فرضیه اول

فرضیه اول عبارت است از اینکه: «نقش جنسیتی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارد».

در این پژوهش آزمودنی‌ها با توجه به نقش جنسیتی به چهار دسته آندروژنی، متمایز مردانه، متمایز زنانه و نامتمایز تقسیم‌بندی شدند و همبستگی هریک با استفاده از آزمون همبستگی

پیرسون، با کارآمدی خانواده بررسی شد. نتایج نشان داد که نقش جنسیتی آندروژنی با کارآمدی خانواده همبستگی مثبت معنادار دارد و نقش جنسیتی نامتمايز با کارآمدی خانواده همبستگی منفی معنادار دارد؛ اما نقش جنسیتی متمایز مردانه و متمایز زنانه با کارآمدی خانواده همبستگی معنادار ندارند (جدول ۵). جهت به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر رابطه بین زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده با نقش‌های جنسیتی بررسی شد که نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار مثبت بین نقش جنسیتی آندروژن و هر سه زیرمقیاس بینشی، اخلاقی و حقوقی در کارآمدی خانواده است (جدول ۶).

از این رو می‌توان نتایج زیر را بیان کرد:

۱. با بالاتر رفتن نمره افراد در نقش جنسیتی آندروژنی کارآمدی خانواده آنها بالاتر می‌رود؛

۲. با بالاتر رفتن نمره افراد در نقش جنسیتی «نامتمايز» کارآمدی خانواده آنها پایین‌تر می‌رود؛

۳. نقش جنسیتی متمایز مردانه با کارآمدی خانواده رابطه معناداری ندارد؛

۴. نقش جنسیتی متمایز زنانه با کارآمدی خانواده رابطه معناداری ندارد.

از این رو، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

نتایج این بخش پژوهش با پژوهش‌های فراوان پیشین زیر همسو است:

پژوهش خانی مجد (۱۳۹۱) نشان داد پاورهای جنسیتی با عملکرد خانواده رابطه معنادار دارد؛ همچنین یلسما و براون (۱۹۸۵) نشان دادند که همسران آندروژنی بهتر از دیگران قادر به مدیریت تعارضاتشان هستند و نقش جنسیتی بهتر از جنسیت زیستی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای ارتباطی زوجین باشد و نیز در پژوهش رادلاو (۱۹۸۳) افراد آندروژنی در مورد رابطه جنسی عملکرد بهتری داشتند. نتایج پژوهش خمسه‌ای (۱۳۸۵) نشان داد که زنان دارای نقش جنسیتی صرفاً زنانه از رفتار جنسی شان نارضایتی بیشتری دارند و نیز پسران آندروژنی در مقایسه با پسران دیگر، از رضایت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند (حجازی و همکاران، ۱۳۸۰) و براساس پژوهش کریم‌نژاد نیارق و همکاران (۱۳۸۹) می‌توان دریافت که با افزایش نمره طرحواره جنسی، میزان رضایت زناشویی زنان افزایش می‌یابد و طرح‌واره‌های جنسی بر میزان رضایت زناشویی تأثیر دارد.

همچنین بنابر نتیجه دومی که در مورد فرضیه اول به‌دست آمد، گفته شد که نقش جنسیتی نامتمايز با کارآمدی خانواده رابطه معنادار منفی دارد که این نتیجه با بخش آخر نتایج پژوهش یلسما و براون (۱۹۸۵) هماهنگ است که نشان داد همسران نامتمايز کمتر از دیگران قادر به مدیریت تعارضاتشان هستند؛ همچنین نامتمايزها نسبت به افراد مردانه و یا زنانه احساسات مثبت

کمتر، انرژی پایین‌تر در انجام وظایف و میل به کنترل کمتری را نشان داده‌اند و نیز جنسیت مردانه در این زمینه‌ها از جنسیت زنانه بهتر بودند و جنسیت آندروژن بالاترین نمره در این زمینه‌ها را داشته‌اند.

با توضیحات بالا نتیجه گرفته می‌شود که این بخش از پژوهش حاضر پژوهش‌های فراوان پیشین را پشتیبانی می‌کند.

بررسی فرضیه دوم

فرضیه دوم این پژوهش عبارت است از اینکه «تیپ شخصیتی A و B زوجین با کارآمدی خانواده رابطه دارد».

در این پژوهش آزمودنی‌ها به‌طور کلی در دو دسته تیپ شخصیتی A و تیپ شخصیتی B قرار دارند. با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی هر یک با کارآمدی خانواده افراد بررسی شد. نتایج نشان داد بین تیپ شخصیتی «A شدید» با کارآمدی خانواده همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین تیپ شخصیتی A با کارآمدی خانواده همبستگی منفی معنادار وجود دارد و بین تیپ شخصیتی B و کارآمدی خانواده همبستگی مثبت معنادار وجود دارد، ولی بین تیپ شخصیتی «B شدید» با کارآمدی خانواده رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۷).

از این رو نتایج زیر به دست آمد:

۱. با بالاتر رفتن نمره افراد در تیپ شخصیتی «A شدید» از میزان کارآمدی خانواده آنها کاسته می‌شود.

۲. با بالاتر رفتن نمره افراد در تیپ شخصیتی A از میزان کارآمدی خانواده آنها کاسته می‌شود.

۳. با بالاتر رفتن نمره افراد در تیپ شخصیتی B کارآمدی خانواده آنها افزایش پیدا می‌کند.

۴. نمره افراد در تیپ شخصیتی «B شدید» رابطه‌ای با کارآمدی خانواده آنها ندارد.

از این رو فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد.

در تبیین نتایج بالا در مورد نقش جنسیتی افراد می‌توان گفت که جامعه مورد مطالعه ما، جامعه‌ای است که بخش قابل توجهی از افراد آن به سمت آندروژنی بودن گرایش پیدا کرده‌اند (جدول ۳)؛ مردان و زنان پاسخگو، بسیاری از ویژگی‌هایی که در گذشته، به‌طور مرسوم مخصوص جنس مخالفشان بود؛ امروز جزء ویژگی‌های خود دسته‌بندی کرده و یا بسیاری از کلیشه‌هایی را که تا امروز کاملاً وابسته به جنسشان بود، دیگر تنها متعلق به خود نمی‌دانند. دیگر زنان از اینکه خود را به‌عنوان افرادی معرفی کنند که دارای توانایی دفاع کردن از باورهای خود، مستقل، شجاع، دارای

شخصیت محکم و خودکفا و دارای توانایی رهبری هستند (خصوصیاتی که در جامعه مخصوص مردان تعریف شده است)، ترسی ندارند و همچنین، اگر خودشان را نیز با کلیشه‌های دردآشنا، حساس به نیازهای دیگران، حساس، علاقه‌مند به کودکان و ملایم بازنمایی نکنند، برایشان قابل قبول و پذیرش است. از سوی دیگر، مردان بیش از هر زمانی خود را به‌عنوان افرادی دارای خصوصیات باعاطفه، دردآشنا، دارای توانایی درک دیگران، دل‌رحم، در پی رفع آزرده‌گی (کلیشه‌هایی که در اجتماع مخصوص زنان تعریف شده) معرفی می‌کنند و دیگر تأکیدی به شناساندن خود به‌عنوان افرادی سلطه‌گر، پرخاشگر، تمایل به خطرپذیری و مقاوم در برابر دیگران ندارند. همه این موارد نشان‌دهنده آن است که بسیاری از کلیشه‌های متعلق به جنسیت، تغییر یافته‌اند و به‌راحتی برای تعریف هر دو جنس از آن به کار برده می‌شود.

در میان داده‌های جدول توجه به این مسئله نیز ضروری است که شمار زیادی از پاسخگویان ما در قشر کلیشه‌ای نامتمایز قرار گرفته‌اند، در حالی که بنابر نظر بَم (۱۹۸۱) جوامع در سیر روند رو به جلوی خود در طول زمان رو به سوی آندروژنی بودن سوق پیدا می‌کنند، اما در جامعه مورد پژوهش ما با اینکه بسیاری از زنان و مردان کلیشه‌های وابسته به جنس خود را از دست داده‌اند، اما نتوانسته‌اند کلیشه‌های آندروژنی را در خود درونی کنند و در واقع، گروه بزرگی از افراد کلیشه‌های نامتمایز را تشکیل داده‌اند که اگر بپذیریم کلیشه‌های جنسیتی عینک‌هایی هستند که افراد با آنها دنیای خود را نظاره می‌کنند و آنان را در رویارویی با شرایط گوناگون آماده و قابل پیش‌بینی می‌کنند، این افراد فاقد این آمادگی و قدرت پیش‌بینی هستند.

در مورد بخش دیگر نتایج توصیفی، یعنی دسته‌بندی تیپ‌های شخصیتی افراد با توجه به اینکه بیشترین تعداد افراد دارای تیپ شخصیتی B هستند و هرچه نمره افراد به سمت تیپ A پیش می‌رود، از تعداد افراد کاسته می‌شود (جدول ۲)، می‌توان این نتیجه را گرفت که بخش بزرگی از جامعه موردنظر در موقعیت‌های تنش‌زا کمتر خشمگین می‌شوند و حتی هنگام خشم موقعیت را با واقع‌بینی بیشتر می‌پذیرند. این افراد غالباً دارای اعصاب آرام و راحت‌اند، به‌ندرت سخن دیگران را قطع می‌کنند، اشتباه‌های خود را می‌پذیرند و آنها را به‌منزله فرصت‌هایی برای آموزش می‌دانند و معمولاً نگران وقت نیستند.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های زیر همسواست:

مطالعه مرادی و همکاران (۱۳۹۱) که طبق آن بین تیپ شخصیتی A و B و عملکرد خانواده رابطه معنا دار وجود دارد. نتایج پژوهش ایران‌پور و حیدرنژاد (۱۳۹۱) که نشان داد رضایت زناشویی با تیپ شخصیتی A همبستگی منفی و با تیپ شخصیتی B همبستگی مثبت دارد. سپهوندی و

همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند بین تیپ‌های شخصیتی A و B و نمره کل عملکرد خانواده رابطه معنادار وجود دارد (نمره بالا بیانگر تیپ شخصیتی A و نمره پایین بیانگر تیپ شخصیتی B است). پژوهش جنآبادی (۱۳۹۴) که نشان داد تیپ شخصیتی A با رضایت زناشویی همبستگی منفی و معناداری دارد. یافته‌های پژوهش فینچام، هارولد و گانوفیلیس (۲۰۰۰) که بیانگر آن است که ویژگی‌های شخصیتی، پیش‌بینی‌کننده سلامتی، رضایت زناشویی، طلاق و موفقیت شغلی بوده است. پس این بخش از مطالعه حاضر، پژوهش‌های فراوان پیشین را پشتیبانی می‌کند.

کاربردهای پژوهش

امروزه آموزش پیش از ازدواج زوج‌های جوان یک ضرورت مسلم دانسته می‌شود، به طوری که تا حدود زیادی می‌توان خوشبختی و بدبختی زن و مرد را از آغاز زندگی مشترک آنان پیشگویی کرد؛ پس می‌توان از نتایج این پژوهش در مشاوره پیش از ازدواج زوجین بهره برد. به بیان دیگر، بسیاری از مشکلات آنها قابل پیشگیری خواهند بود. به همین دلیل هر اندازه دختر و پسر اطلاعات بیشتری در جهت شناخت خود و همسر آینده‌شان داشته باشند و ملاک‌های معقول‌تری را برای انتخاب همسر در نظر گیرند، در زندگی زناشویی خود با مشکلات و ناسازگاری‌های کمتری روبه‌رو خواهند شد.

همچنین، نتایج پژوهش می‌توانند مورد استفاده روان‌شناسان و روان‌پزشکان در محیط‌های بالینی و درمان (زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی و درمان‌های فردی)، مشاوران در مشاوره‌های زناشویی، روان‌شناسان تربیتی در راهنمایی والدین برای انتخاب شیوه‌های فرزندپروری، روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و اساتید دانشگاه و مراکز علمی-پژوهشی و آموزشی که در زمینه مشاوره و خانواده فعالیت می‌کنند، قرار گیرد تا با افزایش آگاهی جامعه، بتوان شدت تعارضات را کاهش داد و گامی در جهت ارتقای سلامت روانی از راه‌های زیر برداشت:

۱. تلاش در جهت تغییر عناصر سوگیرانه آداب و رسوم و نگرش‌های جامعه که نگرش‌های کلیشه‌ای و قالبی را درباره زنان و مردان جامعه مطرح می‌کنند؛
۲. تجدید نظر در مفاهیم نادرست و بدون مبنای علمی، همراه با بررسی مفاهیم جدید زندگی خانواده؛

۳. شناساندن مسئله نقش‌های جنسیتی و تیپ‌های شخصیتی و پیچیدگی‌های آن به جامعه؛

۴. بهبود نقش‌های اجتماعی و خانوادگی هر دو جنس؛

۵. توجه به عوامل مؤثر در ساخت شخصیت افراد از سنین کودکی و توجه به آن در نظام آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت و نیز آگاهی دادن به والدین و افراد متکفل امر تربیت؛
 ۶. تلاش در تربیت کودکان با توجه به نقش‌ها و تفاوت‌های جنسیتی فطری و ذاتی آنها، به‌ویژه با استفاده از آموزه‌های تربیتی دینی کارشناسی شده و نه با استفاده از نگرش‌های فردی و آداب و رسوم بدون پشتیبانی علمی.
- همچنین، این پژوهش می‌تواند به پشتوانه دیگر مطالعات به ارتقای دانش در زمینه نقش‌های جنسیتی زوجین و تیپ‌های شخصیتی و کارآمدی خانواده بینجامد.
- هر پژوهشی از محدودیت‌هایی برخوردار است؛ پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر می‌باشد:
۱. پژوهش حاضر تنها در بین طلاب پایه‌های ۵ تا ۷ ساکن در شهر قم انجام شده است. از این رو، تعمیم نتایج به غیرطلاب، طلاب سایر شهرها و نیز طلاب مقاطع تحصیلی دیگر باید با احتیاط صورت گیرد؛
 ۲. با توجه به اینکه دو پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش (پرسش‌نامه نقش جنسیتی و پرسش‌نامه تیپ‌های شخصیتی A و B) غیردینی بودند، برای اجرا روی طلاب دارای تحصیلات دینی و علوم حوزوی با واکنش‌هایی روبه‌رو شد.
- انجام امور زیر می‌تواند به جبران کاستی‌های این پژوهش کمک کند:
۱. انجام پژوهشی مشابه در جامعه طلاب ساکن در سایر شهرها و نیز در جامعه دانشجویان و مقایسه آن با نتایج به‌دست آمده از این پژوهش؛
 ۲. ساخت و اعتباریابی آزمونی جهت سنجش نقش‌های جنسیتی افراد با استفاده از مبانی و منابع اسلامی؛
 ۳. ساخت و اعتباریابی آزمونی جهت تعیین تیپ شخصیتی افراد با استفاده از مبانی و منابع اسلامی؛
 ۴. در پژوهش حاضر تنها ارتباط دو متغیر با کارآمدی خانواده توصیف و تبیین شد. سایر متغیرهای مرتبط یا تأثیرگذار با کارآمدی خانواده می‌تواند در پژوهش‌های دیگر بررسی شوند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. اسدی، لیلا و عاطفه ذبیحی (۱۳۹۴)، «جایگاه و ضرورت اخلاق محوری در تقنین قوانین و مقررات مربوط به خانواده»، پژوهش نامه اخلاق، س ۸، ش ۲۷، ص ۱۴۱-۱۵۸.
۲. اشترایه، فاطمه؛ علیرضا مهدویان و آناهیتا خدابخشی کولایی (۱۳۹۲)، «مقایسه نقش‌های جنسیتی و خودمتمایزسازی در دانشجویان متأهل زن»، زن و جامعه، س ۴، ش ۴.
۳. امانی، رزیتا و محمدرضا مجذوبی (۱۳۹۱)، «رابطه بین تیپ‌های شخصیتی مایرز-بریگز و رضایتمندی زناشویی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۴. ایران‌پور، رقیه و کیوان حیدرنژاد (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین تیپ‌های شخصیتی با رضایت زناشویی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۵. برک، لورا ای (۲۰۰۱)، روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۱)، تهران: نشر ارسباران.
۶. بستان، حسین (۱۳۸۵)، «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی»، پژوهش زنان، دوره ۴، ش ۱ و ۲، ص ۵-۳۱.
۷. بستان، حسین (۱۳۹۲)، «کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده»، مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، دوره ۱، ش ۱، ص ۶۹-۹۸.
۸. بهبودی، معصومه (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی کارکرد خانواده براساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین»، اندیشه و رفتار، دوره ۳، ش ۱۱.
۹. ثناگویی، محمد و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۰)، «رابطه پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین»، روان‌شناسی و دین، ش ۱۶، ص ۱۰۳-۱۲۰.
۱۰. جناآبادی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی (A, T, B, D) با رضایت زناشویی کارکنان مراکز بهداشت»، شخصیت و تفاوت‌های فردی، س ۴، ش ۷، ص ۱۸۴-۱۹۹.

۱۱. حجازی، الهه و دیگران (۱۳۸۰)، باورهای جنسیتی دانش‌آموزان شهر تهران، رابطه آن با رضایت‌مندی روانی اجتماعی، تهران: دفتر توسعه و برنامه‌ریزی معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
۱۲. حر عاملی، محمد ابن‌الحسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۰، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۳. خانی‌مجد، صدیقه؛ تقی‌پورابراهیم و جلیل‌فتح‌آبادی (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس و کرد»، خانواده‌پژوهی، س ۸، ش ۳۲، ص ۳۹۲-۴۰۵.
۱۴. خمسه‌ای، اکرم (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده»، خانواده‌پژوهی، ش ۸.
۱۵. روزنهان، د.ال و س.ای. سلیگمن (۱۹۵۵)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۷۹)، تهران: ساوالان.
۱۶. سپهریان، فیروزه و لیلا جوکار (زمستان ۱۳۹۱)، «ارتباط اعتیاد به اینترنت با اضطراب در تیپ‌های شخصیتی نوع A و B»، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۷-۳۰.
۱۷. سپهوندی، محمدعلی؛ سیدمسعود دهقان منشادی؛ سمیه سبزمنش جعفری و سارا قادری (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی A و B و اضطراب والدین با عملکرد خانواده»، دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران.
۱۸. سلطانی، مهین و دیگران (۱۳۹۴)، «رابطه تیپ‌های شخصیتی A و B با استرس شغلی سبک مدیریت با سلامت روان کارکنان شهرستان کرمانشاه»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
۱۹. شاکریان، عطا (۱۳۹۱)، «رابطه پنج عامل شخصیت (روان‌نژندی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، دل‌پذیری و انعطاف‌پذیری) با سازگاری زناشویی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۲۰. صادقی، منصوره سادات و همکاران (۱۳۹۴)، «رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی»، روان‌شناسی معاصر، س ۱۰، ص ۶۷-۸۲.
۲۱. صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن، پایان‌نامه دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.

۲۲. صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، «نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، س ۱۹، ش ۱۵۴، ص ۶۹-۸۲.
۲۳. صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده»، معرفت، س ۲۰، ش ۱۶۳، ص ۵۳-۶۵.
۲۴. عباسی، روح‌الله و کاظم رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۸)، «بررسی رضایت‌مندی زناشویی و تفاوت‌های فردی»، علوم رفتاری، ش ۳ (پیاپی ۹).
۲۵. علی‌مدد، زهرا؛ جواد کرم‌خانی؛ نعمت قاسمی و داراب جلیلیان (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی در زنان شاغل بخش دولتی شهرستان ایلام» (سه طبقه آموزشی، خدمات بهداشتی و تأمین اجتماعی)، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۲۶. قاسمی ارگنه، حامد؛ عذرا اعتمادی؛ وحید رنگی و سمیره دهقان (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان رضایت زناشویی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۲۷. کریم‌نژاد نیارق، سعید؛ احمد برجعلی؛ فاطمه علویان و فاطمه آذرتاش شندی (۱۳۸۹)، «رابطه رضایت و طرحواره‌های جنسی با رضایت زناشویی دانشجویان زن متأهل»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان، افلاک، دانشکده پرستاری و مامایی خرم‌آباد، س ۶، ش ۲۰ و ۲۱.
۲۸. گولومبوک، سوزان و فی‌وش، رابین، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای (۱۳۷۸)، تهران: ققنوس.
۲۹. محمدزاده ابراهیمی، علی؛ فرهاد جمهری و احمد برجعلی (۱۳۸۶)، «رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد شخصیتی زوجین با رضایت‌مندی زناشویی»، روان‌شناسی تربیتی، دوره جدید، س ۳، ش ۱۰، ص ۷۷-۹۱.
۳۰. مرادی، امید؛ یحیی یاراحمدی؛ هادی نقدی و شایسته چارداولی (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی سلامت عمومی دانشجویان براساس تیپ شخصیتی A و B عملکرد خانواده»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۳۱. معین، لادن؛ زهرا عباسی؛ سهیلا جاهدی و فیروزه دست‌غیب (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با ویژگی‌های شخصیت و خودکارآمدی نوجوانان»، دومین همایش ملی روان‌شناسی-روانشناسی خانواده، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۳۲. موسی‌زاده، زهره (۱۳۹۳)، خانواده‌پژوهی از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت با رویکرد معارف اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۳۳. نجاریان، بهمن؛ بهنام مکوندی؛ بهرام دباغ و سارا نیکفر (۱۳۷۴)، «ساخت و اعتباریابی مقدماتی مقیاسی برای سنجش تیپ شخصیتی A»، علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره جدید، س ۲، ش ۱ و ۲، ص ۲۴-۵۰.
۳۴. نجاریان، بهمن و سیامک خدارحیمی (۱۳۷۷)، «دوگانگی جنسیتی (آندروژنی)»، تازه‌های روان‌درمانی، س ۳، ش ۹ و ۱۰، ص ۳۰-۴۴.
۳۵. نصراللهی، عباس؛ رضا دادفر؛ وحید احمدی؛ فرهاد فیصریبگی؛ صادق رستمی؛ حمزه ویسی و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ارتباط بین فرسودگی شغلی با تیپ‌های شخصیتی (A, B) و رضایت شغلی در میان مربیان مهدهای کودک شهرستان ایلام»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، س ۲۱، ش ۶، ص ۲۰۸-۲۱۴.
۳۶. نصیری، فرزاد و شکوفه شریفی (شهریور ۱۳۹۲)، «ارتباط ترس از زایمان و تیپ شخصیتی در زنان باردار»، مجله زنان مامایی و نازایی، دوره ۱۶، ش ۶۶، ص ۱۸-۲۵.
۳۷. هاید، ژانت شیلی (۱۹۹۶)، روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری)، ترجمه اکرم خمسه (۱۳۹۴)، چ ۴، تهران: انتشارات ارجمند.
۳۸. هراتیان، عباس‌علی؛ سیدحسین حیدری؛ محمد زارعی توپخانه و محمد مهدی صفورایی پاریزی (۱۳۹۴)، «بازشناسی ساختار عاملی مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، س ۱، ش ۳، ص ۲۷-۴۳.
۳۹. هوشیاری، جعفر؛ محمد مهدی صفورایی و بهشته نیوٹ (۱۳۹۳)، «رابطه کارآمدی خانواده با بهزیستی معنوی در دانشجویان و طلاب»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۸، ش ۱۵، ص ۸۷-۱۰۲.
۴۰. هومن، حیدرعلی (۱۳۹۳)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران: سمت.
41. Bem, S. L. (1981), *A manual for the Bem Sex Role Inventory*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologist Press Spadin, 1989.
42. Bem, S. L. (1981), *Gender Schema Theory: A cognitive account of sex ° typing*. Psychology Bulletin, 88, 354-364.
43. Bentler, P. M, New comb. M. D, (1998), Longitudinal study of marital success and Failure, Journal of staling and clinical Psychology vol. 46, p, 1053-1070.

44. Burns. W and Bluen. S. (1992), *Assessing a multidimensional Type A behaviour scale*. Personality and Individual Differences, 13 (9): 977-986.
45. Fincham, Frank D. Harold, Gordon T. Gano-Philips, S. (2000), *The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of effects and role of efficacy expectations.*: Journal of Family Psychology.
46. Frank, N. M. & Kim, H. (1998), *Teamwork and Trait Extremes Based on the Big Five Model of Personality*. Eastern Academy of Management Conference, Springfield, MA.
47. Friedman, H. S. & Booth-Kewley, S. (1987), The “disease-prone per-sonality”:
A meta-analytic view of the construct. American Psy-chologist, 42, 539-555.
doi:10.1037/0003-066X.42.6.539
48. Manstead, A.R & Hewston, M & Fisk, S. T & Hogg, M. A & Reies, H.T and Semin, G. (1996), *The black well Encyclopedia of Social psychology*. Black well publisher Ltd.
49. Yelsma. Paul and Charles T. Brown, *Gender Roles, Biological Sex, and Predisposition to Conflict Management, Sex Roles*, Vol. 12, Nos. 7/8, 1985.
50. Radlave, S. (1983), *Sexual response and gender role*, In ER. Allger & N. B. Yuen, S.A and Kuiper, N.A. (1992), Type A and self-evaluation: A aocial comparison perspective. Personality and individual Differences, 13 (5): 549-562.